

حاجی ملا عبدالکریم جناب قزوینی

و
نقش و می در موسیقی قاجار

سید حسین یثربی



زمستان ۱۳۹۰

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی، سایر

میشی، سیدحسین، ۱۳۴۵-
حاجی ملا عبدالکریم جناب قزوینی و نقش وی در موسیقی قاجار / سید حسین میشی.
تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۰.
۱۷۶ص. مصور، جدول، نمونه.
۷-۱۳۷-۱۳۲-۲۳۲-۹۶۴-۹۷۸
فیفا.
کتابنامه: ص ۱۱۹. - نمایه.
جناب: عبدالکریم، ۱۱۹۶-۱۳۴۴ق.
موسیقی - ایران - قرن ۱۳ق.
ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳، ۱۳۴۴ق.
فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
۱۳۹۰م ۹/ح-۱۰/۴۱۰/۸۱۰
۷۸۹/۰۹۲
۲۶۹۱۲۹۱:



پژوهشگاه هنر



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

حاجی ملا عبدالکریم جناب قزوینی

و نقش وی در موسیقی قاجار

سید حسین میشی

صلحه آرا، محم رادمهر

طراح جلد: امیر علایی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۳۰۰۰ ریال

لیتوگرافی: فرآیند گویا

چاپ: شرکت چاپ و نشر شادرنک

ISBN: 978-964-232-137-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۱۳۷-۷

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف،

ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۷۷

پست الکترونیک: art.publishing@yahoo.com

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - ترسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر.

تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست

۷	 سخن ناشران
۹	 مقدمه
۱۵	 فصل ۱: شرح زندگانی جناب
۴۵	 فصل ۲: آموزش
۷۱	 فصل ۳: حوزه فعالیت‌های جناب
۸۵	 فصل ۴: ویژگی‌های صدای جناب
۹۱	 فصل ۵: شیوه‌های اجرایی جناب
۹۷	 فصل ۶: جناب و نظام دستگاهی
۱۰۷	 فصل ۷: مکاتب آوازی
۱۱۳	 یادداشت‌ها
۱۱۷	 منابع
۱۲۳	 اسناد
۱۷۵	 نمایه

سخن ناشران

ایران با سابقه‌ای درخشان و چشمگیر در فرهنگ و تمدن، میراثی گران‌بها از دانش، حکمت، ادب و هنر به پیاپی ساخته و در گذر زمان، روابط و تعاملات فرهنگی بسیار گسترده‌ای با تمدن‌های بزرگ خاور و باختر داشته است. این روابط بینا فرهنگی در دوره اسلامی و پیش از آن، زمینه‌ساز تعاملات گسترده‌ای در حوزه هنر بوده است. ایرانیان از یک‌سو هر آنچه را که با دین و آیین و نیازهای بومی فرهنگی و اجتماعی‌شان سازگار بوده است آگاهانه و هوشمندانه از فرهنگ سایر ملل دریافت کرده‌اند و از سوی دیگر همواره نقش عمیق و مؤثری در فرهنگ و هنر جوامع مختلف داشته‌اند.

تاریخ اندیشه نشان می‌دهد که جریان‌های فکری و اندیشه‌ورزی‌های تمدن‌ساز همواره در بستر تلاش روشمند، مسأله محور و هدفمند دانشمندان، پژوهشگران و فرهیختگان جوامع شکل گرفته است. بی‌شک دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ بشر حاصل هم‌افزایی دانش و پژوهش اندیشمندانی است که با هم‌فکری و هم‌اندیشی به نشر دستاوردهای پژوهشی خود پرداخته و الگوها و روش‌هایی بدیع و خلاقانه برای تبیین مسائل دنیوی و اخروی و رشد فضیلت‌های انسانی ارائه داده‌اند.

هنر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسان‌ها داشته و نقشی محوری را در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. هنر هر جامعه‌ای در بستر فکری و فرهنگی، دینی و اعتقادی و مطابق با شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد و مطالعه، تحقیق و نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ و هنر، قلمرو بسیار گسترده، متنوع و پر جاذبه‌ای را پیش روی پژوهشگران و علاقمندان هنر می‌گشاید. با این

حال چنین فعالیت‌هایی مستلزم بسترهای فکری و معرفتی، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اصول ساختاری و روشی، و منابع مادی و معنوی‌ای است که جامعه و نهادهای اجتماعی برای محققان و اندیشمندان فراهم می‌سازند؛ زیرا مطالعات و پژوهش‌های پیرامونه، روشمند، منسجم و مستمر؛ و آگاهی از نتایج تحقیقات دیگران، بدون تحقق این بسترها و زمینه‌ها حاصل نمی‌شود.

نتایج و دستاوردهای نظری و عملی چنین مطالعات و پژوهش‌هایی، راه‌های جدید و روشی را در رشد معرفتی و فرهنگی افراد بشر و بسط تعاملات اجتماعی و فرهنگی فرارو می‌نهد و بینش‌ها، نگرش‌ها و چشم‌اندازهای نویی را پیش روی هنرجویان و هنرپژوهان می‌گذارد. از این رو توجه به مطالعه، پژوهش، نقد و نظریه‌پردازی در حوزه هنر براساس نیازهای بومی از نیازهای اساسی حیات فرهنگی ایران اسلامی به‌شمار می‌آید که فقدان آن، منجر به فهم نادرست، تکرار یا پیروی از نظریه‌های غیروبومی در پژوهش‌ها و مطالعات هنر ایرانی - اسلامی و غفلت از نیازها، تعلقات و پیشینه تاریخی خویش می‌گردد.

پیوند عمیق بین عمل و نظریه به تعبیری حکمت عملی و حکمت نظری در سنت فرهنگی این مرز و بوم ریشه‌دار و نهادینه بوده است. اما در دهه‌های اخیر، یکی از آسیب‌های جدی فعالیت‌های هنری شکاف بین نظر و عمل بوده است. لذا مطالعات نظری و فعالیت‌های پژوهشی باید به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر در سیاستگذاری فرهنگی و هنری مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشکده هنر (وابسته به فرهنگستان هنر) در راستای تمهید و گسترش زمینه‌های مطالعات و پژوهش‌های بنیادین، توسعه‌ای و کاربردی در حوزه هنر، نقد و بررسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های هنری براساس معیارهای متعارف حرامع علمی و پژوهشی، و ایجاد بسترهای ارائه نظریه‌های کارآمد هنری، متناسب با نیازها و ارزش‌های دینی، ملی و بومی جامعه ایرانی، با دعوت از استادان و پژوهشگران فرهیخته و پرتلاش حوزه فرهنگ و هنر، بر آن است به نشر آثار و منابع تخصصی و عالمانه در قلمرو هنر بپردازد.

کتاب حاجی ملا عبدالکریم جناب قزوینی و نقش وی در مرئوسین حاجار که با مشارکت و همکاری پژوهشکده هنر و مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن) انتشار یافته، تلاشی است در راستای نشر آگاهی، دانش و بسط مطالعه پژوهش. امید است این کتاب، برای صاحبان خرد و دانایی و فرزانی و علاقمندان به فرهنگ و هنر این مرز و بوم به ویژه هنرجویان و هنرپژوهان، مفید و راهگشا باشد.

مقدمه

در این کتاب به شرح زندگی جناب قزوینی و نقش وی در موسیقی دوره قاجار با تکیه بر اسناد و مصاحبه با نزدیکان و بستگان او پرداخته شده است. عوامل و موقعیت اجتماعی سهم بسزایی در شکل‌گیری شخصیت جناب داشت. جناب از جمله استادان موسیقی آوازی دوره قاجار بود که بر خلاف گرایش رایج زمان یعنی عدم ارائه اطلاعات موسیقایی از سوی برخی استادان، شاگردان متعددی را آموزش داد. برخی شرایط و تحولات سبب شد جناب که استاد موسیقی آوازی بود به تعزیه‌خوانی بپردازد که چگونگی کاربرد آواز در تعزیه از نکات قابل توجه درباره این استاد است. به نظر می‌رسد که جناب در خواندن از شیوه‌های متداول در قرائت قرآن نیز متأثر بوده است. از دیگر نکات مهم دوره وی تفاوت برداشت از مفاهیم موسیقی رایج در قلمرو آواز است و به نظر می‌رسد تنوع سبک‌های آوازی در این مقطع بیشتر از دوره معاصر بوده است.

در این کتاب تلاش شده است علاوه بر جنبه‌های شخصی و اجتماعی زندگی جناب به تلاش‌های وی در عرصه‌های فنی موسیقی نیز پرداخته شود.

اطلاعات تاریخی درباره رجال موسیقی دوره قاجار غالباً محدود به توضیحات اندکی است که در کتاب‌های سرگذشت موسیقی ایران و تاریخ موسیقی ایران اثر خالقی و مشحون آمده است. لذا قاعدتاً اطلاعات میدانی و اسناد می‌تواند در شناسایی دقیق‌تر رجال موسیقی این دوره و متعاقب آن درک عمیق‌تر فضای تحولات موسیقی عصر بسیار راهگشا باشد.

نگارنده از نخستین مصاحبه‌های خویش در حدود سال ۱۳۷۰ در قزوین متوجه شدم که جناب تأثیر بسزایی در تحولات موسیقی قزوین و شاید کشور داشته است. پس از آنکه

نسبت به گردآوری اطلاعات مربوط به این استاد موسیقی، تا آنجا که مقدور بود، تلاش کردم. در ابتدا تصور می‌کردم که از مجموع این اطلاعات نهایتاً بتوان یک مقاله ارائه کرد، ولیکن مطالب گردآمده قابلیت آن را داشت که در چارچوب کتابی، زندگی این شخصیت را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهد. این کتاب پژوهشی است توصیفی - تحلیلی که علاوه بر تشریح فعالیت‌های استاد جناب، معیارهای زیبایی‌شناسی رایج در موسیقی آوازی دوره مورد نظر را نیز بررسی می‌کند.

روش تحقیق

علاوه بر بررسی کلیه متون منتشرشده مربوط به موضوع، اسناد خانوادگی جناب نیز کمک شایانی به عنای بیشتر این تحقیق کرد. با این همه، مصاحبه‌های میدانی نقش عمده‌ای در تألیف این کتاب داشت. در این راستا از ۲۴ نفر مصاحبه میدانی به عمل آمد که برخی از آنان از بازماندگان جناب و برخی دیگر از چهره‌هایی بودند که به نوعی با جناب یا شاگردان وی ارتباط داشتند.

هرچند در مصاحبه‌ها بر موضوعی واحدی تأکید می‌شد، ولیکن چگونگی روایت‌ها عمدتاً متفاوت بود و یکی از مشکلات اساسی تفاوت‌ها در ذکر تاریخ یا محل واقعه بود.

پیشینه تحقیق

برای نخستین بار سید محمد گلریز در کتاب *می‌نودر یا باب الجنة* (چاپ اول، سال ۱۳۳۷ ش) اطلاعات مختصری در مورد جناب قزوینی ارائه کرده است. در سال ۱۳۵۷ ابراهیم بوذری نیز در رساله مختصری تحت عنوان «تعزیه در ایران و در مجلس آن» اطلاعات اندکی در مورد جناب ارائه می‌دهد. این رساله مجدداً در شماره ۳۱ فصلنامه موسیقی ماهور به چاپ رسید. صادق همایونی در سال ۱۳۶۸ در کتاب *تعزیه در ایران* نیز از جناب به عنوان استاد موسیقی و تعزیه‌خوان یاد کرده است. نگارنده نیز در سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ در پی گردآوری شرح زندگی اهل موسیقی قزوین و نگارش مقاله‌ای برای *هفته‌نامه ولایت* سعی در تدوین زندگی جناب کردم. در سال ۱۳۷۴ محمد باقر آصف زاده در کتاب *قزوین در گذرگاه هنر* نیز اطلاعات اندکی در مورد این استاد بیان داشتند. در سال ۱۳۷۵ عبدالحسین شهیدی صالحی در *دایرة المعارف تشیع* (جلد پنجم) نخستین مقاله مربوط به جناب را تألیف کردند. همچنین در سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ به درخواست سازمان میراث فرهنگی استان قزوین کتابی تحت عنوان *پژوهشی تاریخی درباره موسیقی قزوین (از دوران*

اسلامی تا سال ۱۳۴۰ ش) تألیف کردم که در آن نیز اطلاعات گردآوری شده در مورد جناب را ارائه دادم. در سال ۱۳۸۰ هم عنایت الله شهیدی مطالبی را در مورد جناب در کتاب پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران به نگارش درآوردند. در سال ۱۳۸۴ در مجموعه سخنرانی های برنامه پژوهشی انجمن موسیقی استان قزوین، تحت عنوان «مشاهیر موسیقی قزوین» به زندگی جناب قزوینی و تحلیل سبک او در آواز پرداختم. در سال ۱۳۸۶ نیز مهدی نورمحمد در کتاب سرگذشت موسیقی دانان قزوین در دوره قاجار و اوایل عصر پهلوی سعی در تدوین زندگی جناب داشتند.

بیشتر مطالب ارائه شده در این آثار به غیر از سخنرانی نگارنده که بعداً به صورت مقاله درآمد و هنوز به چاپ نرسیده است، جنبه توصیفی دارند. لذا تلاش کرده ام که در این کتاب براساس منابع کتابخانه ای و مصاحبه ها، زندگی جناب را هم از منظر توصیفی و هم از جنبه تحلیلی مورد بررسی قرار دهم.

قدردانی

بر خود لازم می دانم که از تمامی کسانی که در این تحقیق مرا یاری کردند، تشکر و قدردانی به عمل آورم، به ویژه از بازماندگان یا وابستگان نسبی و سببی جناب از جمله از مرحوم محمد کریم جناب، فخرالملوک چهارمصلاتی، محمد اسماعیل کرمانی، محمد حسین کرمانی، علی جناب، حسین جناب، بهادر جناب، فخرالسادات نصری، سهیلا قدسی، محبوبه مافی، اسماعیل ناظمی جنابی، عصمت ناظمی، حشمت سادات مجابی، سعیده جنابی، امیر جنابی، و نیز از بازماندگان شاگردان جناب به ویژه از سید مهدی مجابی، عباس ناصری، همچنین از استادان تعزیه مرحوم ملوک ثقفی، مرحوم سرکرد عباس ثقفی، مرحوم علی پاک نفس، مرحوم میر محمدعلی محمدعلی ها، محمد ثقفی، حاج محمود یوسفی و رضا زمانی. از بازماندگان خاندان ثقفی، قاسم ثقفی، مهدی رضاپور، ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی استان قزوین، محمد وکیل ها، ریاست محترم انجمن موسیقی، محمد کشاورز قدیمی، مسئول بخش امور شناسنامه ها در اداره ثبت احوال قزوین و خانم مریم مردانی از کارمندان بخش مذکور و نیز خانم پویا از کارمندان ثبت اسناد قزوین نیز کمال تشکر را دارم. از استادان و پژوهشگران موسیقی به ویژه داریوش پیرنیاکان و بهروز مبصری هم به دلیل اطلاعات ارائه شده قدردانی می کنم.

همچنین بر خود واجب می‌دانم که تشکر ویژه‌ای داشته باشم از حسین جناب، محمد حسین کرمانی و بهادر جناب که اسناد و کتاب‌های خانوادگی مهمی را با کمال اعتماد در اختیار بنده قرار دادند؛ امید است که این اثر بتواند اندکی از لطف ایشان را جبران کند.

نکات مهم درباره متن

۱. لازم به یادآوری است که در متن کتاب به افرادی ارجاع داده می‌شود که اطلاعات مذکور در جدول ذیل میزان ارتباط آنها را با جناب مشخص می‌کند. خواننده متن می‌تواند با ارجاع به این جدول اطلاعات مربوط به فرد مصاحبه‌شونده را کسب کند.

جدول ۱: افرادی که از آنها نقل قول شده است

ردیف	اسامی	توضیحات
۱	محمد کریم جناب	پسر محمد تقی جناب (فرزند جناب)
۲	فخرالملوک جبار جناب	همسر ابوطالب جناب (پسر محمد تقی، فرزند جناب)
۳	محمد اسماعیل کرمانی	پسر طغری خانبان (نوه دختری جناب)
۴	محمد حسین کرمانی	پسر طغری خانبان (نوه دختری جناب)
۵	علی جناب	پسر محمد کریم جناب
۶	حسین جناب	پسر محمد کریم جناب
۷	فخر سادات نصری	نوه دختری جناب (فرزند بتول، دختر جناب)
۸	محبوبه مافی	همسر علی اکبر ناطمی (پسر میرزا اسماعیل جناب، فرزند جناب)
۹	اسماعیل ناطمی جنابی	فرزند عباس ناطمی جنابی (فرزند محمد اسماعیل، فرزند جناب)
۱۰	عصمت جنابی	فرزند علی اکبر ناطمی (فرزند محمد اسماعیل، فرزند جناب)
۱۱	سهیلا قدسی	دختر اکرم سادات نصری (دختر بتول، دختر جناب)
۱۲	الهام قدسی	دختر اکرم سادات نصری (دختر بتول، دختر جناب)
۱۳	حشمت سادات مجابی	همسر غلامعلی جنابی (فرزند غلامرضا جنابی)
۱۴	سعیده جنابی	دختر حشمت سادات مجابی
۱۵	سید مهدی مجابی	فرزند سید یحیی مجابی (از شاگردان جناب)
۱۶	عباس ناصری	نوه عباس ناصری (از شاگردان جناب در تبریز)
۱۷	مرحوم ملوک ثقفی	مادر وی دختر خاله میرزا حسن ثقفی یزدی بوده است
۱۸	مرحوم عباس ثقفی (سرگرد)	همسر ملوک خانم ثقفی
۱۹	میر محمدعلی محمدعلی‌ها	از تعزیه‌خوانان گروه میرزا هدایت ثقفی یزدی (پسر میرزا حسن ثقفی یزدی)
۲۰	محمد ثقفی	از بازماندگان خاندان ثقفی
۲۱	حاج محمود یوسفی	از شاگردان میرزا احمد احمدی مشهور به میرزا احمد طالقانی
۲۲	دارپوش پیرنیاکان	از استادان موسیقی
۲۳	بهرز مبصری	از پژوهشگران موسیقی
۲۴	رضا زمانی	از تعزیه‌خوانان سرشناس قزوین

ردیف ۱۳: غلامعلی جنبابی فرزند غلامرضا جنبابی تعزیه‌خوان و برادر هوشنگ جنبابی است. بر اساس اطلاعات مندرج در شناسنامه هوشنگ جنبابی، شناسنامه پدرش غلامرضا در ثبت احوال قزوین به شماره ۳۰۵۴ به دست آمد که بر اساس مشخصات آن می‌توان حدس زد که مرحوم محمد پدر غلامرضا از کارکنان جناب بوده، لذا غلامرضا در سال ۱۳۰۴ ش فامیلی خود را جنبابی تعزیه‌خوان گذاشته، در اصل پدر غلامرضا نسبت فامیلی با جناب نداشته است.

۲. در این اثر از علائم اختصاری به شرح ذیل استفاده شده است:

جدول ۲. علائم اختصاری

ردیف	حروف اختصاری	معنی
۱	ت	تولد
۲	د	در گذشته، متوفی
۳	ج	جلد و جلد‌ها
۴	ش	هجری شمسی
۵	ق	هجری قمری
۶	نگ	نگاه کنید به
۷	ن.ت	نسخه تایپ شده
۸	ن.خ	نسخه خطی
۹	همان	ماخذ پیشین

۳. در این اثر گاه از فرزندان جناب: محمد اسماعیل / اسمعیل، محمد تقی و محمد ابراهیم (اسامی مذکور در وصیت‌نامه) تحت عنوان میرزا اسماعیل، میرزا تقی و میرزا ابراهیم یاد می‌شود. اغلب مصاحبه‌شوندگان اسامی اصلی آنها را نمی‌دانستند و به این شکل از آنها نام می‌بردند.

۴. گاه بخشی از یک سند مربوط به خانواده جناب، در اثر گنجا شده باشد که به درک مطالب کمک می‌کند. اصل این اسناد در بخش ضمیمه نیز قابل مشاهده است.

۵. در بخش اسناد ضمیمه تلاش شده که اسناد بر اساس سنوات طبقه‌بندی شود. تنها دو سند آخر که مربوط به یک نسخه تعزیه در سال ۱۳۳۹ ق است، خارج از این قاعده آورده شد.

۶. اسناد خانوادگی (بخش اسناد ضمیمه از سند ۱ تا ۴۴) در اختیار حسین جناب، شعر محمد باقر کرمانی (سند ۴۹) در اختیار محمد حسین کرمانی و نسخه تعزیه (سندهای ۵۰ و ۵۱) در اختیار بهادر جناب قرار دارد. لازم به ذکر است که از نسخه تعزیه دو برگ آن در بخش اسناد ضمیمه آورده شد.